

سہ اصل بزرگ اسلام



تألیف : محمد بن سلیمان التمیمی
مترجم : عبد اللہ حیدری

Ketabton.com

سه اصل بزرگ اسلام

نویسنده:

استاد محمد تمیمی

مترجم:

عبدالله حیدری

پاییز ۱۳۸۲ خورشیدی

مشخصات کتاب

نویسنده: استاد محمد تمیمی

نام کتاب: سه اصل بزرگ اسلام

تیراژ: ۵۰۰۰

چاپ: اول

تاریخ: پاییز ۱۳۸۲

انتشارات: حقیقت

en_haghighat@yahoo.com

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۵	چهار مطلب
۵	دلیل آن
۶	مسائل سه گانه
۶	مسألة اول
۷	مسألة دوم
۷	مسألة سوم
۹	سه اصل بزرگ
۹	اصل اول
۱۶	اصل دوم
۲۵	اصل سوم

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بیکران ذات یگانه ای را که هر کس از بندگان را بخواهد با فضل و رحمت خودش به دین اسلام هدایت می کند، و هر کسی را که از اسلام روی گرداند با حکمت خویش گمراه می گرداند، که در نتیجه در تاریکی جهل و گمراهی دست و پا زند و راه بجای نبرد. و درود و سلام بر الگوی معصوم محمد بن عبدالله که خاتم پیامبران و رحمت برای تمام جهانیان و مژده دهنده و بیم دهنده و چراغی روشن و با اجازه او دعوت کننده به سوی دین الله است. چنانکه می فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵) «و کسی که غیر از (شریعت و آئین) اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی شود، و او در آخرت از زمره زیانکاران خواهد بود».

ملاحظه می فرمائید که خداوند متعال در این آیه کریمه بیان فرموده که هر دینی غیر از اسلام باطل و مردود و پیروان آن بدبخت و زیانکار است.

همچنانکه روشن است اکثر انسانها در عصر حاضر کافر و گمراه هستند مانند یهودیها و نصرانیها و هندوها و بودایی ها و دیگر گروههای گمراه، بنابر این شایسته است کسانی که خداوند آنان را به دین حق و نعمت اسلام هدایت فرموده و به آنان توانایی دعوت و بیان عنایت فرموده تمام سعی و تلاششان را به خرج دهند. و دیگران را به دین اسلام دعوت کنند و برای آنکه فردا پیش خدا عذری داشته باشند و پیام سعادت را به آنان رسانده باشند دین اسلام را به آنان عرضه کنند. شاید خدا خواست و هدایت شدند.

بنابو این از آنجایی که اولین گام دعوت، شناخت مکتبی است که دیگران را بسوی آن باید فرا خوانیم، لذا این مقاله کوتاه تلاشی در همین راستاست، امیدواریم خداوند بوسیله آن نفعی به جامعه بشری عنایت فرماید و دلهای غافل را آگاه و گوشهای غبار گرفته را صیقل و چشمهای تاریک را روشنی بخشد.

هدف مهم دیگری که ما از طرح این مقاله داریم این است که به لطف و مرحمت پروردگار مهربان همواره نور ایمان دل‌های عده‌ای را روشن می‌کند و هر روز برادران و خواهرانی به کاروان اسلام می‌پیوندند. لذا این کتابچه می‌تواند بعنوان شناسنامه‌ای مختصر مورد استفاده آنان قرار گیرد که به وسیله آن مقدمات دین جدیدشان را بشناسند و اسلامشان رونق گیرد تا اینکه خداوند به وسیله آن گام‌های آنان را در راه حق راسخ بدارد و توانایی پیدا کنند که پرچم جهاد و دعوت و تبلیغ دیگران را بر دوش گیرند، به هر حال این ذات مهربان پروردگار است که هر خیر و نیکی را در اختیار دارد و به هر کس بخواهد می‌بخشد پس او را سپاس که پروردگار جهانیان است.

مرکز پژوهش‌های علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای عزوجل رحمتت کند:

بدان که آموختن چهار چیز بر ما واجب است:

اول: علم، که عبارت از شناخت خداوند و شناخت پیامبرش - صلی الله علیه وآله و سلم - و شناخت دین اسلام با دلایل است.

دوم: به آن عمل کردن.

سوم: به سوی آن دعوت نمودن.

چهارم: صبر در برابر مشکلاتی که در این راه پیش خواهد

آمد.

دلیل آنچه گفتیم این فرموده خداوند متعال است: ﴿بسم

الله الرحمن الرحيم: و العصر، إن الإنسان لفی خسر، إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر﴾.

«سوگند به روزگار، که بیگمان انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده اند، و کارهای شایسته کرده اند، و همدیگر را

به حق سفارش کرده اند و همدیگر را به شکیبائی سفارش کرده اند».

امام شافعی رحمه الله علیه می فرماید: اگر خداوند جز این سوره هیچ برهان دیگری بر مخلوقاتش فرود نمی آورد همین سوره برای آنان کافی بود.

امام بخاری رحمه الله علیه در صحیح بخاری می فرماید: باب: العلم قبل القول و العمل. این باب در بارهٔ آموختن علم قبل از گفتن و عمل کردن است، زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿فاعلم أنه لا إله إلا الله و استغفر لذنبك﴾. «پس بدان که جز خدا هیچ معبود برحق نیست و برای گناهانت طلب مغفرت کن». می بینیم که قبل از گفتن و عمل کردن به فرا گرفتن علم امر فرموده است.

خدا رحمتت کند، بدان که آموختن مسائل سه گانهٔ ذیل

بر هر زن و مرد مسلمان واجب است:

مسألهٔ اول: اینکه خداوند ما را آفریده و پرورش داده و

روزی داده اما بیهوده نگذاشته است؛ بلکه برای هدایت ما پیامبری فرستاده است که هر کس از او پیروی کند داخل بهشت، و هر کس نافرمانی اش کند وارد دوزخ خواهد شد، لذا خداوند متعال می فرماید:

«إنا أرسلنا إليكم رسولا شاهدا عليكم كما أرسلنا إلى فرعون رسولا فعصى فرعون الرسول فأخذنه أخذا وبيلاً» المزمّل ۱۵-۱۶

«ما به سوی شما پیامبری فرستاده ایم که بر شما گواه است همچنانکه به سوی فرعون هم پیامبری فرستادیم، اما فرعون از آن پیامبر نافرمانی کرد، لذا او را به گیر و داری سخت فروگرفتیم».

مسألة دوم: اینکه خداوند هرگز راضی نخواهد شد که هیچ بنده ای در عبادتش، احدی را با او شریک گرداند، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسلی را، لذا می فرماید:

«و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا» الجن ۱۸

«و اینکه همه مسجدها خاص خداوند است، پس با خداوند هیچ احدی را (به عنوان پرستش) مخوان».

مسألة سوم: کسی که خدا را به یگانگی بشناسد و از پیامبرش اطاعت کند، هرگز برای او جائر نیست که با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی می کنند دوستی برقرار کند. اگر چه نزدیکترین خویشاوندانش باشند.

لذا خداوند متعال می فرماید:

«لا تجد قوما يؤمنون بالله و اليوم الآخر يوادون من حاد الله و رسوله و لو كانوا آباءهم أو إخوانهم أو عشيرتهم أولئك كتب في قلوبهم الإيمان و أیدهم بروح منه، ویدخلهم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها، رضی الله عنهم و رضوا عنه، أولئك حزب الله ألا إن حزب الله هم المفلحون» المجادلة ۲۲

«قومی را که به خداوند و روز آخرت ایمان داشته باشند نیایی که با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می ورزند دوستی کنند، و لو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، اینانند که (خداوند) در دلهایشان (نقش) ایمان نگاشته است، و به فیضی از جانب خویش استوارشان داشته است، و (ایشان را) به بوستانهایی در آورد که جویباران از فرودست آنها جاری است، جاودانه در آن هستند، هم خداوند از آنان خشنود، و هم آنان از او خشنودند، اینان لشکر خداوند، بدانید که لشکر خدا همانان رستگاران هستند».

خدایت به طاعتش راه بنماید بدان که دین خیف
 ابراهیمی این است که خدا را به یگانگی و با اخلاص و یکرنگی
 بپرستی این است آن هدفی که خداوند همه مردم را برای تحقق

آن آفریده و بدان امر فرموده است، چنانکه می فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ الذاریات ۵۶

«جن و انس را جز برای آنکه مرا بپرستند نیافریده ام».

معنی «یعبدون» در آیه «یوحدون» است، یعنی مرا به یکتایی بپرستند، بزرگترین و مهمترین چیزی که خداوند بدان امر فرموده توحید است، و توحید یعنی خدا را به یکتایی پرستیدن، و بزرگترین چیزی که از آن باز داشته شرک است، و شرک یعنی شخص یا چیزی را با او به عنوان پرستش خواندن، لذا خداوند متعال می فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾

«و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نکنید». النساء ۳۶

اگر از تو پرسیده شود: سه اصل بزرگ که شناخت آن بر هر انسانی واجب است چیست؟

بگو: ۱- شناخت پروردگار ۲- شناخت اسلام که دین پسندیده پروردگار است. ۳- شناخت پیامبرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم.

اصل اول:

اگر از تو پرسیده شود که پروردگارت کیست؟ بگو پروردگارم ذاتی است که با نعمتهای فراوانش مرا و سایر جهانیان را آفریده و

پرورش داده است، او یگانه معبود من است که جز او هیچ معبودی ندارم، لذا خداوند متعال می فرماید: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾

«هرگونه ثناء و ستایشی ویژه پروردگار عالمیان است».

جز خود پروردگار هر صنف دیگری در این جهان برای خودش عالمی است که من نیز جزئی از یک عالم هستم.

اگر از تو پرسیده شود: پروردگارت را چگونه شناختی؟ بگو: با آیات و مخلوقاتش، از جمله می توان به شب و روز و خورشید و مهتاب به عنوان نمونه ای از آیات، و به آسمانها و زمینهای هفتگانه و آنچه در آنها و در بین آنهاست به عنوان نمونه ای از مخلوقات خدای بزرگ اشاره کرد. لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿و من آیاته اللیل و النهار و الشمس و القمر لا تسجدوا للشمس و لا للقمر و اسجدوا لله الذی خلقهن إن كنتم إیاه تعبدون﴾ فصلت ۲۷

«و از نشانه های قدرت او شب و روز و خورشید و ماه است، خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خداوند را که آنها را آفریده است سجده کنید».

و نیز می فرماید:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ الاعراف ۵۴

«همانا پروردگار شما خداوند است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، سپس بر عرش (چنانکه خود می داند) قرار گرفت، شب را به روز (و روز را به شب) می پوشاند، و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید) که رام شده به فرمان اویند، بدانید که خلق و امر فقط از آن اوست، با برکت است خدایی که پروردگار جهانیان است».

پروردگار همان معبود برحق جهان است لذا خداوند می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَانْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ البقرة ۲۱-۲۲

«ای مردم پروردگارتان را که شما و پشینانان را آفریده است بپرستید تا پرهیزگار شوید، آنکه زمین را (همچون) زیر انداز و آسمان را (همچون) سر پناه شما کرد، و از آسمان آب فرو فرستاد، آنگاه بدان (انواع) میوه ها برای روزی شما بر آورد، پس آگاهانه برای او همتا نیاورید».

ابن کثیر رحمه الله علیه می فرماید: «خالق و آفریدگار همه این مخلوقات یگانه ذاتی است که شایسته و مستحق پرستش است».

انواع عبادتهایی که خداوند دستور انجام آنرا صادر فرموده از قبیل اسلام و ایمان و احسان، خوف و رجاء، دعاء و توکل، شوق و حذر، خشوع و خشیت، انابت و استعانت، استعاذت و استغاثت، ذبح و نذر و دیگر عبادتهایی که خداوند به آن امر فرموده همه ویژه پروردگار یکتا است.

لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ الجن ۱۸

«و اینکه همه مسجدها خاص خداوند است پس با خداوند

هیچ کسی را به عنوان پرستش مخوان».

پس کسی که این عبادتها یا جزئی از آنها برای غیر خدا انجام دهد مشرک و کافر است، لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ مؤمنون ۱۱۷

«و هر کس با خداوند خدایی دیگر بپرستد که در این کار حجتی ندارد، جز این نیست که حسابش با پروردگارش است، آری کافران رستگار نمی شوند».

و در حدیث آمده است (الدعاء مع العبادة) «دعاء مغز عبادت است». لذا خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ غافر ۶۰

«و پروردگارتان گوید مرا به دعا خوانید تا برایتان اجابت کنم، بیگمان کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند به زودی با خواری وارد دوزخ خواهند شد».

دلیل خوف این ارشاد الهی است:

﴿فَلَا تَخْضَعُوا خِفًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ آل عمران ۱۷۵

«پس از آنان ترسید و از من بترسید اگر مؤمن هستید».

دلیل امید این ارشاد خداوند باری تعالی است:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ

لَا يَشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ الکهف ۱۱۰

«حال هر آنکس که امید به لقای پروردگارش بسته است،

باید کار نیکو پیشه کند و در پرستش پروردگارش کسی را شریک
نیارود».

دلیل توکل این فرموده باری تعالی است:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ المائدة ۲۳

«و بر خدا توکل کنید اگر مؤمن هستید».

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ الطلاق ۲

«پس هرکس بر خدا توکل کند همو وی را کافی است».

دلیل شوق و حذر و خشوع، این ارشاد باری تعالی است:

﴿إِنَّمْ كَانُوا إِسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا

و كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾ انبیاء ۹۰

«زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل میکردند و در حال بیم و امید ما را میخوانند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند».

دلیل خشیت این فرموده باری است:

﴿فلا تخشوه و اخشون﴾ البقرة ۱۵۰

«پس از آنان مترسید و از من بترسید».

و دلیل انابت این ارشاد الهی است:

﴿وأنیوا إلى ربکم و أسلموا له﴾ الزمر ۵۴

«به سوی پروردگار تان باز آیید و در برابر او تسلیم شوید».

در حدیث آمده است: (واذا استعنت فاستعن بالله)

«و هرگاه یاری خواستی از خدا یاری بجوی».

دلیل استعاضت این ارشاد باری است:

﴿قل أعوذ برب الناس، ملک الناس﴾ سورة ناس

«بگو به پروردگار مردم پناه می برم، فرمانروای مردم».

دلیل استغاثه این فرموده خداوندی است:

﴿إذ تستغيثون ربکم فاستجاب لکم﴾ الانفال ۹

«هنگامی را به یاد آورید که به پروردگار تان استغاثه و

زاری می کردید و او دعای شما را اجابت کرد».

دلیل ذبح این ارشاد خداوندی است:

﴿ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنَسْكَی وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴾ الانعام ۱۶۲

«بگو نماز و نیایش من و زندگانی و مرگ من، برای خدا

است که پروردگار جهانیان است».

در حدیث آمده است: (لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ذَبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ).

«خداوند لعنت کند کسی را که برای غیر خدا ذبح کند».

دلیل نذر این فرموده خداوند متعال است:

﴿ یُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ یَوْمَ مَا كَانُ شَرُهُ مُسْتَطِرًّا ﴾ سورة الدھر ۷

«(آن بندگان نیکو) به نذر و عهد خود وفا میکنند و از قهر

خدا در روزی که شر سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد

میترسند».

اصل دوم: شناخت دین اسلام با دلایل

دین اسلام یعنی تسلیم شدن برای خدا که او را به یکتایی

بپرستی، و از اوامرش پیروی کنی، و از شرک بیزاری جویی. و آن

سه درجه دارد:

اسلام، ایمان و احسان که هر درجه ای از خودش ارکانی

دارد.

درجه اول: اسلام است که پنج رکن دارد:

- ۱- گواهی دادن به اینکه جز خدای یگانه هیچ معبود برحق نیست، و اینکه محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - رسول خدا است.
- ۲- برپاداشتن نماز.
- ۳- دادن زکات.
- ۴- و روزه ماه مبارک رمضان.
- ۵- وحج بیت الله الحرام.

دلیل رکن اول این فرموده خداوند متعال است:

﴿شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم

قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم﴾ آل عمران ۱۸

«خداوند که در دادگری استوار است و فرشتگان و عالمان (راستین) گواهی می دهند که معبود برحق جز او نیست. آری جز او که پیروزمند فرزانه است معبود برحق نیست».

کلمه (لا إله) همه آنچه را که جز خدا پرستیده میشود نفی می کند و (إلا الله) هرگونه عبادتی را صرفاً برای خدای یکتا و لاشریک ثابت می کند. خدایی که در پرستش او هیچ شریکی نیست، کما اینکه در ملک او هیچ شریک و همتایی نیست، آنچه این مطلب را واضح و آشکار بیان میکند این فرموده خداوند متعال است:

﴿ و إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا
الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ
يَرْجِعُونَ ﴾ زخرف ۲۶-۲۷

«ای رسول ما ! به یاد آور وقتی را که ابراهیم به پدر خود
و قومش گفت: ای بت پرستان، من از معبودان شما سخت بیزارم.
جز آن خدایی را که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد
نمیپرستم. و این خدا پرستی (و توحید) را در همه ذریت او تا قیامت
کلمه باقی گردانید تا همه فرزندانش (به خدای یکتا) رجوع کنند».
و همچنین این ارشاد خداوند بزرگ:

﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَوْ
لَا نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ
دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴾ آل عمران ۶۴

« بگو ای اهل کتاب بیایید تا بر سر سخنی که بین ما و شما
یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچگونه
شریکی نیاوریم و هیچ کسی از ما دیگری را بجای خداوند به
خدایی برنگیرد، و اگر رویگردان شدند بگویید شاهد باشید که ما
فرمانبرداریم».

و دلیل گواهی دادن اینکه محمد -صلی الله علیه وآله وسلم- رسول خدا است این ارشاد خداوندی است:
﴿لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزیز علیه ماعتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤوف رحیم﴾ توبه ۱۲۸

«به راستی که پیامبری از میان خودتان به سوی شما آمده است که هر رنجی که شما میبایید برای او گران می آید، سخت هواخواه شماست و به مؤمنان رؤوف و مهربان است».

معنای گواهی دادن به اینکه محمد رسول خداست این است که در هر آنچه ما را امر فرموده از ایشان اطاعت کنیم، و به هر آنچه خبر داده یقین و باور داشته باشیم، و از هر آنچه ما را باز داشته باز ایستیم، و اینکه پرستش خدا جز به روشی که ایشان بیان فرموده اند انجام نگیرد.

و دلیل نماز و زکات و تفسیر درست توحید در این آیه کریمه متبلور است:

﴿و ما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلاة و يؤتوا الزكاة و ذلك دين القيمة﴾ بینه ۵

«جز این فرمان نیافته بودند که خداوند را بپرستند و پاک دینانه، دین خود را برای او خالص دارند و نماز را برپادارند، وزکات را بپردازند، و این دین استوار است».

دلیل روزه این آیه کریمه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ بقره ۱۸۳

«ای مؤمنان! بر شما روزه فرض گردیده همچنانکه بر کسانی که پیش از شما بودند فرض شده بود، تا که تقوا پیشه کنید».

ودلیل حج این ارشاد الهی است:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ آل عمران ۹۷

«وخدای را بر مردم حج خانه کعبه فرض است البته بر هر کسیکه توانایی رسیدن به آنجا را داشته باشد و هر کس که کفر (و انکار) ورزد (بداند که) خداوند از جهانیان بی نیاز است».

درجه دوم:

ایمان است که هفتاد و چند شاخه دارد که بلندترین آن گفتن **لا إله إلا الله** و پایین ترین آن دور کردن اسباب اذیت از راه است، و حیاء شاخه ای از ایمان است.

ارکان آن شش تا است: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و پیامبران الهی و همچنین به روز قیامت و تقدیر اعم از خوب و بد آن ایمان داشته باشی.

دلیل ارکان ششگانه مذکور این ارشاد خداوندی است:

﴿ لیس البر أن تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب، ولكن

البر من آمن بالله واليوم الآخر والملائكة و الكتاب و النبيين ﴾ بقره ۱۷۷

«نیکی آن نیست که رویتان را به سوی مشرق و مغرب

آورید بلکه نیکی آن است که بنده به خداوند و روز بازپسین و

فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران ایمان داشته باشد».

و دلیل تقدیر این ارشاد خداوندی است:

﴿ إنا كل شيء خلقناه بقدر ﴾ قمر ۴۹

«ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم».

درجه سوم:

احسان است که فقط یک رکن است، و آن اینکه خدا را طوری پرستی که گویا او را میبینی، چون اگر تو او را نمیبینی یقیناً او ترا میبیند، بدلیل این فرموده خداوند که:

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ نحل ۱۲۸

«به درستی که خداوند با پرهیزگاران و نیکو کاران است».

و این ارشاد الهی:

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ

وَتَقْلِبُكَ فِي السَّاجِدِينَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ شعراء ۲۱۸

«و بر (خداوند) پیروزمند مهربان توکل کن همان که تو را

به هنگامی که (برای عبادت) برمیخیزی میبیند و نیز تحولت را در (نماز از حالتی به حالت دیگر) میان نماز گذاران، چرا که او شنوای دانا است».

و همچنین این فرموده خداوند بزرگ:

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ

عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُوداً إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ....﴾ یونس ۶۱

«ای رسول ما (بدان که تو) در هیچ حال نباشی و هیچ آیه ای از قرآن تلاوت نکنی و به هیچ عملی تو و امتت وارد نشوید مگر آنکه ماهمان لحظه شما را مشاهده میکنیم».

و دلیل از سنت حدیث مشهور جبریل است که از عمر بن الخطاب رضی الله عنه نقل شده که فرمودند:

(بینما نحن جلوس عند النبی صلی الله علیه وآله سلم إذ طلع علينا رجلٌ بياض الثياب شدید سواد الشعر، لا یُری علیه أثر السفر و لا يعرفه منا أحد، فجلس إلى النبی صلی الله علیه وآله وسلم فأسند ركبته إلى ركبته، و وضع کفیه علی فخذیه وقال: یا محمد، أخبرنی عن الإسلام، فقال: أن تشهد أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسول الله، و تقیم الصلاة و تؤتی الزکاة و تصوم رمضان و تحج البيت إن استطعت إليه سبیلاً، قال: صدقت، فعجبنا له یسأله و یصدقہ، قال: أخبرنی عن الإیمان، قال: أن تؤمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر و بالقدر خیرہ و شره، قال: أخبرنی عن الإحسان، قال: أن تعبد الله كأنک تراه، فإن لم تکن تراه فإنه یراک، قال: أخبرنی عن الساعة، قال: ما لمسؤول عنها بأعلم من السائل، قال: أخبرنی عن أماراتها، قال: أن تلد الأمة ربتها، و أن تری

الحفاة العراة العالة رِعاءِ الشَّاءِ يتناولون في البنيان، قال: فمضى
فلبثنا ملياً فقال: يا عمر أتدرون من السائل؟ قلنا: الله ورسوله
أعلم، قال: هذا جبريل أتاكم يُعلمكم أمر دينكم).

«در حالی که ما خدمت پیامبر- صلی الله علیه وآله وسلم -
نشسته بودیم ناگهان مردی بر ما ظاهر شد که لباسهایش به شدت
سفید و موهایش شدیداً سیاه بود، هیچ نشانه ای از آثار سفر بر او
دیده نمیشد و کسی از ما هم او را نمیشناخت، جلو پیامبر- صلی الله
علیه وآله وسلم - همچنانکه پیامبر نشسته بودند دو زانو نشست و
زانوهایش را به زانوهای پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - چسپاند
و دستهایش را بر رانهایش گذاشت و گفت: ای محمد از اسلام مرا
خبرده؟ فرمودند: اینکه گواهی دهی که هیچ معبود بر حقی جز
خدای یگانه وجود ندارد و اینکه محمد فرستاده خداست، و نماز را
برپاداری و زکات پردازی و ماه رمضان را روزه بگیری و اگر
توانایی داشتی حج خانه خدا کنی. گفت: راست گفתי، تعجب کردیم
که چگونه هم از ایشان میپرسد وهم تصدیق میکند، گفت: از ایمان
مرا خبر ده؟ فرمودند: اینکه به خدا و فرشتگان و کتابها و رسولانش
و به روز قیامت و به تقدیر اعم از خیر و شر آن ایمان و باور داشته
باشی، گفت: از احسان مرا خبرده فرمودند: اینکه خدا را طوری

بپرستی که گویا او را میبینی چون تو او را نمیبینی او قطعاً ترا میبیند، گفت: از قیامت مرا خبر ده فرمودند: در این باره سؤال شونده از سؤال کننده بیشتر نمیداند، گفت: از نشانه های آن مرا خبرده، فرمودند: اینکه کنیز ارباب خودش را بزاید، و اینکه ببینی چوپانان تنگدست با پای لخت و عریان در ساختمانها بریکدیگر فخر میورزند، راوی میگوید: آنگاه راهش را کشید و رفت، ما اندکی درنگ کردیم آنگاه حضرت فرمودند: ای عمر، آیا میدانید سؤال کننده کی بود؟ گفتیم خدا و رسولش داناترند. فرمودند: این جبریل بود که آمد تا امر دیتان را به شما بیاموزاند».

اصل سوم: شناخت پیامبران حضرت محمد - صلی الله علیه وآله سلم - است.

ایشان محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم هستند که هاشم از قریش و قریشی ها عرب و از نسل حضرت اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم خلیل - علیه و علی نبینا افضل الصلاة و اتم التسليم - هستند، ایشان شصت و سه سال عمر کردند، که چهل سال آن پیش از بعثت و بیست و سه سال دیگر بعد از بعثت بود، ایشان پیامبر و رسول بودند، با «إقرأ» نبوت و با «مدثر»

رسالت به ایشان ابلاغ شد، که در آن زمان در مکه تشریف داشتند، خداوند ایشان را فرستاد تا که مردم را از شرک باز داشته و به سوی توحید و یکتا پرستی بخواند، بدلیل این ارشاد خداوندی که:

﴿يا أيها المدثر قم فأنذر وربك فكبر وثيابك فطهر والرجز

فاهجر ولا تمنن تستكثر ولربك فاصبر﴾ اول سورة مدثر

«ای جامه بر خود پچیده! برخیز و هشدار ده و پروردگارت را تکبیر گوی و دامت را. پاکیزه بدار و از آرایش (شرک) بپرهیز و بخششی مکن که پاداش بزرگتر بخواهی و در راه پروردگارت شکیبایی کن».

معنای «قم فأنذر» یعنی از شرک بترسان و به سوی توحید فراخوان. و «ربک فکبر» یعنی با توحید و یکتا پرستی او را تعظیم کن و بزرگ بدار و «ثیابک فطهر» یعنی اعمال خویش را از شرک پاک گردان، «والرجز فاهجر» رجز یعنی بتها، و ترک بتها یعنی بیزاری از بتها و بت پرستان، ده سال تمام به همین منوال مردم را بسوی توحید میخواندند، پس از ده سال ایشان به معراج یعنی آسمان فراخوانده شدند و نمازهای پنج گانه فرض گردید، سه سال در مکه نماز خواندند، و سپس مأمور گردیدند که به مدینه هجرت کنند هجرت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام منتقل

شدن است، هجرت براین امت فرض است که از سرزمین شرک به سرزمین اسلام کوچ کنند و این فریضه تا قیامت ادامه دارد.

به دلیل این فرموده خداوند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا فَأُولَئِكَ عَسَى أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا غَفُورًا﴾ نساء ۹۷-۹۸

«کسانی که فرشتگان جانشان را میگیرند، در حالیکه آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حال بودید؟ گویند: ما در سرزمین خود مستضعف بودیم گویند: آیا سرزمین خداوند فراخ نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید؟ سرا و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفیکه نمیتوانند چاره ای بیندیشند و راه به جایی نمیرند، اینان را باشد که خداوند ببخشاید، و خداوند بخشاینده آمرزگار است».

و به دلیل این ارشاد خداوندی:

﴿يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً لِإِيَابِ فَأَعْبُدُونِ﴾ عنکبوت ۶۵

«ای بندگان من که ایمان آورده اید! بدانید که زمین من گسترده است پس فقط مرا بپرستید».

امام بغوی رحمه الله علیه میفرماید: سبب نزول این آیه مسلمانانی هستند که در مکه بودند و هنوز هجرت نکرده بودند خداوند آنانرا اهل ایمان خطاب فرمود.

و دلیل بر هجرت از سنت نبوی این فرموده پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله وسلم - است که:

﴿ لا تنقطع الهجرة حتى تنقطع التوبة و لا تنقطع التوبة حتى تطلع الشمس من مغربها ﴾

«هجرت قطع نمیشود تا زمانی که توبه قطع شود و توبه قطع نمیشود تا اینکه خورشید از مغرب طلوع کند».

هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - در مدینه مستقر گردیدند به بقیه احکام اسلام نیز مأموریت یافتند، مثل زکات و روزه و حج و اذان و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احکام دیگر، ده سال در این راستا جانفشانی کردند تا اینکه وفات نمودند - صلوات الله و سلامه علیه - اما دین ایشان قائم و دائم خواهد بود. خلاصه اش این است که هیچ خیری نبوده مگر اینکه امت را بدان راهنمایی فرموده و هیچ شر نبوده مگر اینکه امت را از آن برحذر

داشته است، بزرگترین خیری که مردم را بدان راهنمایی فرموده اول توحید است و بعد هر آنچه که خداوند آن را دوست دارد و میپسندد، و بدترین شری که امت را از آن برحذر داشته اول شرک است و بعد هر آنچه که خداوند آنرا ناپسند میدارد، خداوند ایشان را به سوی همه انسانها و جنات فرستاده و اطاعت ایشان را بر همگان فرض گردانیده است.

دلیلش این ارشاد خداوندی است:

﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا ﴾ اعراف ۱۵۷

« بگو ای مردم بدرستی که من فرستاده خدا به سوی همه

شما هستم. »

و خداوند دین را بوسیله ایشان تکمیل فرموده چنانکه

میفرماید:

﴿ أَلْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ

رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ﴾ مائده ۳

« امروز دین شما را برایتان به کمال رساندم و نعمتم را بر

شما تمام کردم و دین اسلام را برای شما پسندیدم. »

دلیل وفات حضرتش این ارشاد خداوند است:

﴿ انک میت و انهم میتون ثم انکم يوم القيامة عند ربکم
تختصمون ﴾ زم ۲۰

« (ای رسول عزیزما) شخص تو و همهٔ خلق البته به مرگ
از دنیا خواهید رفت آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار
خویش داد خواهی میکنند».

معاد: بطور قطع انسانها پس از مردن برانگیخته خواهند
شد، به دلیل اینکه خداوند متعال میفرماید:

﴿ منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة
آخری ﴾ طه ۵۵

« از آن (خاک) شمارا آفریده ایم و به آن بازتان میگردانیم و
باردیگر از آن بیرونتان میآوریم».

و نیز میفرماید:

﴿ والله أنبتکم من الأرض نباتا ثم یعیدکم فیها و نخرجکم
إخراجا ﴾ سوره نوح ۱۷-۱۸

«و خداوند شما را مانند گیاهی از زمین رویاند سپس شما را
به آن باز میگرداند».

و آنگاه پس از برانگیخته شدن و مطابق آنچه عمل کرده اند پاداش داده خواهند شد، لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿وَلِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِیْنَ اَسْلَمُوْا بِمَا عَمِلُوْا وَ يَجْزِيَ الَّذِیْنَ اٰحْسَنُوْا بِالْحَسَنٰی﴾ نجم ۳۱

«و آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداوند است، تا سرانجام بدکرداران را بر وفق کار و کردارشان جزا دهد و نیکوکاران را به پاداش نیکو (بهشت) جزا دهد».

کسی که منکر برانگیخته شدن بعد از مرگ باشد کافر است، به دلیل اینکه خداوند متعال میفرماید:

﴿زَعَمَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اَنْ لَّنْ یَّعْتَبُوْا قُلُوبِیْ وَ رَبِّیْ لَبَیْعَثْنٰ ثُمَّ لَتُبْنَ بِمَا عَمَلْتُمْ وَ ذٰلِكَ عَلٰی اللّٰهِ یَسِرُّ﴾ تنابین ۷

«کافران پنداشته اند که هرگز برانگیخته نمیشوند، بگو آری سوگند به پروردگارم که برانگیخته خواهید شد، سپس از (حقیقت) آنچه کرده اید آگاهتان کنند و این برخداوند آسان است».

خداوند متعال همه پیامبران را مبعوث فرموده است تا آنکه مژده دهند و بیم دهند باشند، به دلیل اینکه میفرماید:

﴿رَسَلًا مَّبْشِرِیْنَ وَ مُنْذِرِیْنَ لِّاَنَّ یَكُوْنَ لِلنَّاسِ عَلٰی اللّٰهِ حِجَّةٌ

بعد الرسل﴾ نساء ۱۶۴

«پیامبرانی (فرستادیم) که مژده دهنده و بیم دهنده اند، تا آنکه برای مردم (پس از آمدن پیامبر) هیچ عذر و بهانه ای نماند». اولین پیامبر حضرت نوح و آخرین آنان حضرت محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - است که ایشان خاتم پیامبران هستند. دلیل اینکه حضرت نوح علیه السلام اولین پیامبر است این ارشاد خداوندی است:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ﴾ نساء

۱۶۲

«ما به تو وحی فرستادیم همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم».

از نوح علیه السلام تا محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - هر پیامبری که بسوی هر قوم و امتی فرستاده شده آنان را به پرستش خدای یکتا فراخوانده و از پرستش طاغوت باز داشته است به دلیل اینکه خداوند میفرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا كُلَّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَبُوا

الطَّاغُوتِ﴾ نحل ۳۶

«و به راستی که در میان هر امت پیامبری برانگیختیم (تا بگویند) که خداوند را بپرستید و از طاغوت پرهیز کنید».

خداوند بر همه بندگان ایمان به خدا و کفر به طاغوت را واجب گردانیده است.

ابن قیم - رحمه الله عليه - میفرماید: (معنی الطاغوت ما تجاوز به العبد حده من معبود او متبوع او مطاع)
«معنای طاغوت این است که بنده در پرستش معبود یا اتباع متبوع یا از اطاعت، اطاعت شونده از حد مجاز بگذرد».

طاغوتها زیادند که در رأس همه پنج تا قرار دارد:
۱- ابلیس ملعون. ۲- کسی که پرستیده شود و او از این عمل راضی باشد. ۳- کسی که مردم را به پرستش خودش ترغیب کند. ۴- کسی که دانستن جزئی از علم غیب را مدعی باشد. ۵- و کسی که خلاف حکم خداوند حکم کند (حکم به غیر ما انزل الله) لذا خداوند متعال میفرماید:

﴿ لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسک بالعروة الوثقی لا انقصاص لها و الله سمیع علیم ﴾ البقره ۲۵۶

«در کار دین اکراه (اجبار) روا نیست چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به

خداوند ایمان آورد به راستی که به دستاویز استواری دست زده است
که گسستی ندارد و خداوند شنوای داناست».

و معنای لا اله الا الله همین است، در حدیث است که:
(رأس الأمر الإسلام و عموده الصلاة و ذروة سنامه الجهاد
فی سبیل الله).

«در رأس همه امور اسلام قرار دارد، ستون آن نماز و قله
افتخارات آن جهاد فی سبیل الله است».

و خداوند داناتر است.

پایان



الأصول الثلاثة

ترجمه إلى

اللغة الفارسية

عبدالله حيدري

رمضان المبارك ١٤٢٤ هـ

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library